

معارف

۳۹: اندیشه سبحانی ۱ فصل ۱

ادراک نظری

شناختی که برای انسان حاصل می‌شود، یا از طریق صورتها و مفاهیم ذهنی است؛ مانند عمل انسان به درختی در مقابل خود که از این درخت، صورتی در ذهن او حاصل می‌شود و به آن علم حصولی می‌گویند و بنا براین واسطه‌ای وجود ندارد و انسان مستقیماً به متعلق شناخت و با وجود واقعی و عینی آن آگاهی دارد که به آن علم حضوری می‌گویند؛ مانند آگاهی انسان به حالات روانی و احساسات و عواطف خود. هنگامی که دچار ترس می‌شویم، این حالت روانی را مستقیماً و بی‌واسطه درمی‌یابیم نه اینکه به وسیله صورت یا مفهوم ذهنی آن را بشناسیم. هنگامی نیز که تصمیم به کاری می‌گیریم، از تصمیم و اراده خود بی‌واسطه آگاه می‌شویم؛ آگاهی ما به ذات خود و همچنین آگاهی به قوای ادراکی‌مان نیز از این دست آگاهی است.

گاهی متعلق علم حضوری، خدا و امور مرتبط به خدا است که به آن شهود

عرفانی نیز می‌گویند. بزرگان معصوم، مانند امیرمؤمنان علی علیه السلام قبل از اینکه اشیاء را مشاهده کنند، خدا را می‌بینند؛ چنانکه در روایتی از آن حضرت نقل است: من خدایی را که نیستم عبادت نمی‌کنم؛ البته نه با چشم سر، بلکه با چشم

۴۰: اندیشه اسلامی ۱ سبحانی فصل ۲

از سوی دیگر، قرآن، ایمان را مبتنی بر معرفت می‌داند و بدین‌سان، از دیدگاه

قرآنی ایمان بدون معرفت، اجر و ارجی ندارد. آیه شریف زیر از این حقیقت پرده برمی‌دارد:

در دین اجبار و اکراه وجود ندارد و خداوند راه درست را از راه

انحرافی، روشن کرده است، بنابراین، کسی که به طاغوت (بت و شیطان

و هر موجود طغیانگر) کافر شود و به خدا ایمان آورد، به رشته محکم و

استواری چنگ زده است.^۱

۴۱: اندیشه اسلامی ۱ - سبحانی فصل ۱

۲. پیش‌درآمد جهان‌شناسی

شناخت جهان عبارت است از تعامل انسان با جهان خارج از خود. انسان بعد از تعامل است که می‌گوید می‌بینم، می‌شنوم و می‌شناسم. سؤال اساسی این است که موجودی که از آن به «من» تعبیر می‌کنیم، چه اندازه در شناخت سهم دارد؟ آیا همه سهم برای انسان است، یا سهم اساسی برای جهان خارج است و یا هر دو سهم هستند؟ لازمه پاسخ به این سؤال، خودشناسی است. انسان باید ابتدا قوا و ابزارهای شناخت خود و گستره و مرزهای آنها را بشناسد تا بعد به شناخت جهان دست یابد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

کیف یَعْرِفُ غَیْرَهُ مَنْ یَجْهَلُ نَفْسَهُ.^۱

کسی که خود را نمی‌شناسد، چگونه غیر خود را تواند شناخت؟^۲

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ كَانَتْ لِقَائِهِ أَعْرَافٌ وَمَنْ جَهِلَ نَفْسَهُ كَانَتْ لِقَائِهِ أَجْهَلٌ.^۳

کسی که خود را بشناسد، دیگری را بهتر می‌شناسد و کسی که به خود جاهل است، به دیگران جاهل‌تر است.

۴۲:

۲- خدا از یک سو انسان را به عبودیت دعوت می‌کند. چنانچه در آیات می‌فرماید:

«مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱

من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند.

از سوی دیگر عبادت، مستلزم معرفت و شناخت به معبود است. البته تا اندازه‌ای که در توانایی‌مان باشد؛ زیرا عبادت، بدون شناخت به معبود ارزشی ندارد؛ بنابراین، اگر خداوند ایشان را برای عبادت خود آفریده است، لازمه‌ی عبادت، شناخت به معبود است؛ از این رو، انسان توانایی شناخت

۴۳: اندیشه اسلامی ۱ سبحانی: جوابشو نمی دونم

صفات فعلی خدا آن دسته از صفات اند که از ارتباط ذات الهی با مخلوقات انتزاع می‌شوند؛ مانند صفت خالقیت که از وابستگی وجودی مخلوقات به ذات الهی انتزاع می‌گردند؛ یعنی آن‌گاه خدا به صفت خالقیت متصف می‌شود که او و مخلوقات و رابطه وجودی میان آنها را در نظر بگیریم. در این صورت است که صفت خالقیت انتزاع می‌شود و می‌گوییم خدا خالق موجودات است. همچنین است صفت رازقیت، که چون خدا و مخلوقات را در نظر بگیریم و نشان دهیم که خدا امکان حیات آنها را فراهم می‌سازد، این صفت انتزاع می‌یابد. به عبارت دیگر، تا از خدا، فعلی به نام خلقت و رزق صادر نشود، او را خالق و رازق بالفعل نمی‌توان خواند، هر چند بر خلقت و رزق، قدرت ذاتی دارد. بدین‌سان، اگر خدا را بدون مخلوقات در نظر بگیریم، متصف به خالق و رازق بودن نمی‌شود؛ ولی در مقابل برای انتزاع صفات ذاتی، نیازی به فرض مخلوقات و موجودی غیر از خداوند نیست.

۴۴: اندیشه سبحانی

۱. توحید ذاتی

مقصود از توحید ذاتی، این است که خدا یگانه، بی‌همتا و بی‌مانند است. به عبارت روشن‌تر، ذات خدا به گونه‌ای است که تعدد و کثرت بر نمی‌دارد و نمی‌توان در عالم خارج و ذهن، برای او فرد دیگری تصور کرد.

قرآن و روایات به روشنی بر یگانگی و بی‌همتایی خدا و تعدد ناپذیری ذات مقدس او دلالت دارد. از جمله آیات قرآن کریم در این‌باره عبارتند از:

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ^۱

خدا گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش گواهی می‌دهند، درحالی که [خداوند در تمام عالم] به عدالت قیام دارد؛ معبودی جز او نیست که هم توانا و هم حکیم است. در این آیه فرشتگان و عالمان به روشنی بر توحید شهادت می‌دهند. در آیه‌ای دیگر آمده است:

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ^۲

بگو: خدا، یکتا و یگانه است؛ خدای صمد، نه کس را زاده، نه زائیده از کس و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است.

۴. توحید در ربوبیت

توحید در ربوبیت، به معنای آن است که تنها خدا در اداره و تدبیر و کارگردانی جهان و انسان مؤثر است. توحید در ربوبیت دو جلوه دارد: تدبیر تکوینی و تدبیر تشریحی. از تدبیر تشریحی در عنوان جداگانه‌ای سخن خواهیم گفت. اکنون به توضیح توحید در قلمرو تدبیر تکوینی می‌پردازیم:

قرآن در آیه‌ای دیگر هماهنگی نظام آفرینش را دلیل یگانگی مدبر جهان دانسته است:

لَوْ كَانَ فِيهَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا^۳

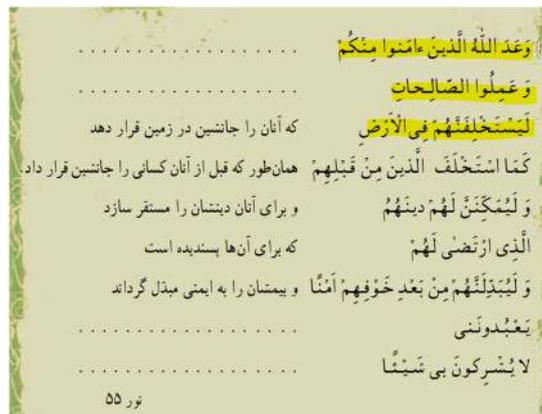
اگر در آسمان و زمین خدایانی جز الله بود، نظام آنها به تباهی می‌گرایید. البته توحید در تدبیر، با اعتقاد به مدبرهای دیگری که با اذن خدا انجام وظیفه می‌کنند، منافات ندارد.

۴۵: دین و زندگی سوم دبیرستان

ولایت معنوی، برترین مقام پیامبر (ﷺ)

همان‌طور که دیدیم، رسول خدا از طرف خداوند دارای ولایت ظاهری است و سرپرستی و رهبری جامعه را برعهده دارد و با اجرای قوانین الهی جامعه اسلامی را اداره و رهبری می‌کند. اما آن حضرت ولایت معنوی را که همان سرپرستی و رهبری معنوی انسان‌هاست و مرتبه‌ای برتر و بالاتر از ولایت ظاهری است نیز داراست. این ولایت چیست و چگونه انجام می‌پذیرد؟ رسول خدا ﷺ با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه‌ای از کمال نائل شد که می‌توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و واسطه فیض خالق به مخلوق شود و به اذن الهی در عالم طبیعت تصرف نماید. به طور مثال، به اذن الهی قادر بود بیمار را شفا بخشد، خطری را از کسی دفع نماید و سایر حاجات مردم را در صورتی که صلاح آن‌ها در آن باشد، برآورده سازد. خداوند از هنگام تولد، ایشان را تحت تربیت خود گرفت و روح و جانش را چنان هدایت کرد که قلبش از معرفت و محبت الهی نورانی شد، عوالم غیب را درنوردید و به بالاترین مرتبه در عالم خلقت نائل آمد. گرچه این مقام و مرتبه از درک ما انسان‌های عادی فراتر است، اما شایسته است بدانیم که با رسیدن رسول خدا ﷺ به این مرتبه از کمال، خداوند لطف خود را به پیامبرش کامل کرد و ایشان را واسطه‌ی فیض و رحمت و برکت به مخلوقات و بندگان قرار داد و تجلی بخش اسماء و صفات خود گردانید. یعنی مرتبه‌ای از ولایت و سرپرستی مخلوقات را به ایشان اعطا کرد. این مرتبه‌ی از ولایت را که کاملاً به اذن خداست، «ولایت معنوی» می‌نامند. به واسطه‌ی این ولایت، پیامبر اکرم ﷺ واسطه‌ی همه‌ی خیرات و برکات مادی و معنوی به مخلوقات و از جمله، انسان‌هاست. ایشان به اذن خداوند می‌تواند در عالم طبیعت تصرف کند. معجزات را انجام دهد، بیماران را شفا بخشد و کراماتی از این قبیل داشته باشد. از برکات معنوی این ولایت، آن

۴۶: دین و زندگی سوم دبیرستان



۴۷: اندیشه اسلامی ۱ سبحانی

مبدأ ۶۱

بعصیرت جامع و کاملی از ساختمان داشته باشد، خواهد دید که وجود چاه نه تنها بد نیست، بلکه برای ساختمان بسیار لازم است.

قرآن مجید دلیل ناخوش دانستن برخی امور را ناشی از عدم شناخت جامع و کامل می‌داند و می‌فرماید:

وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^۱

و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

۴۸: دین و زندگی دوم دبیرستان

وَ أَمَّا مَنْ أَوْتَىٰ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ
فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أَوْتَ كِتَابِيَةَ

و کسی که نامه‌اش را به دست چپش می‌دهند
گوید: کاش نامه‌ی معلم، به من داده نمی‌شد

حاقه، ۲۵

حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند و سپردن نتیجه‌ی کارها به اوست. انسان متوکل خداوند را تکیه‌گاه مطمئن خود می‌یابد و در عین عمل به وظایف، آموزش را به او واگذار می‌کند. او می‌داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه‌ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد. زیرا خدای حکیمی که جهان را تدبیر و اداره می‌کند از هر کس نسبت به ما مهربان‌تر است. تکیه و اعتماد بر خدا به انسان آرامش می‌دهد و به آینده امیدوار می‌کند.

تصمیم و توکل

نوجوانی و جوانی دوران تصمیم‌های بزرگ است. هرچه عمر می‌گذرد و قوای انسان به سستی می‌گراید، توان انسان برای تصمیم‌های بزرگ نیز کاهش می‌یابد. جوان و نوجوان معمولاً آزاد از تمنیات و وابستگی‌هاست. شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته‌های دنیایی بسته نشده است؛ مانند برخی از بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد. او می‌تواند آرمان‌های بزرگ داشته باشد، آرمان‌هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن.

از این رو، در این دوره نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد بر خداوند حس می‌شود.

۵۰: آیه ۳۷ سوره ابراهیم

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

پروردگارا، من برخی از ذریه و فرزندان خود را به وادی بی‌کشت و زرع‌ی نزد بیت‌الحرام تو مسکن دادم، پروردگارا، تا نماز را به پا دارند، پس تو دل‌هایی از مردمان را به سوی آنها مایل گردان و به انواع ثمرات آنها را روزی ده، باشد که شکر تو به جای آرند.

۵۱: دین و زندگی دوم دبیرستان جوابشو نمی‌دونم

دعوت به خیر و نیکی

دعوت به خیر و نیکی قبل از امر به معروف است. این دعوت برای آشنایی و تشویق و ترغیب دیگران به خوبی‌هاست تا میدان بر بدی‌ها تنگ شود و تمایل به سوی آنها کاهش یابد. این دعوت، هم سلامت جامعه را دوام می‌بخشد و هم به تعالی آن کمک می‌کند و هم به عنوان پیش‌گیری، مانع گسترش گناه می‌شود و نیاز به درمان را که همان وظیفه‌ی دوم است، کم می‌کند. بهترین و مؤثرترین روش دعوت نیز روش عملی است؛ چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید:

دعوت‌کننده‌ی مردم باشید اما نه با زبان، بلکه با پارسایی، تلاش، نماز و نیکی، که این رفتارها خود دعوت‌کننده هستند.^۱

راستی کسی که خود به خوبی‌ها عمل نمی‌کند، چگونه می‌تواند دیگران را دعوت نماید؟ کسی که خود تمایلی به خوبی‌ها ندارد، چگونه می‌تواند در دیگران میل به آنها را پدید آورد؟ مرتبه‌های بعدی دعوت به خیر، دعوت با زبان و گفت‌وگو، با کتاب و مقاله، با شعر، تصویر، فیلم و مانند این‌هاست.